



دکتر فرهاد آخوندی ،
رئیس کمیته برگزاری همایش میراث در خطر

جایزه غزه و همایش میراث معماری در خطر در تبریز

راهکار حفظ میراث معماری در معرض خطر در این است که بخش خصوصی وارد شود و بناها را حفاظت کند. اگر بخش خصوصی از مکان تاریخی برداشت مالی داشته باشد خواهد توانست برای احیا و مرمت آن نیز سرمایه‌گذاری کند.

صفحه ۱۲

صریح

هفته نامه سراسری اقتصادی

دوشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۴ - سال اول - شماره یک - ۱۶ صفحه - ۱۰ هزار تومان

شهرام کاشانی اصل،
رئیس سازمان استاندارد آذربایجان شرقی

صدر شناسنامه ملکی ساختمان ضروری است



تلاش ما بر این است که تا جایی که ممکن است کیفیت مصالح ساختمانی را در مبدأ تولید، برای واحدهایی که استاندارد ایران را اخذ نموده‌اند، به صورت ادواری کنترل و ارزیابی و در نهایت محصول نهایی را استانداردسازی و تضمین کیفیت کنیم.

صفحه ۱۰



دکتر محمدباقر بهشتی در گفت و شنود صریح با صریح:

دشمن اصلی ما همین رانت‌خواران و قاچاقچیان هستند



دسترسی به نسخه
الکترونیکی



نساء السادات میراحمدی
کارشناس ارشد اقتصاد
پارادوکس گردشگری در
ایران: گنجینه‌ای که در
محاصره موانع است

صفحه ۸



AZAR BORJ
Elevator & Escalator Co.



دکتر علی محمدخورشید دوست
استاد دانشگاه تبریز
شایعات شبه‌علمی کذب
در بحران نابودی دریاچه
ارومیه

صفحه ۷



ضوابط ساخت و ساز در پهنه های گسلی

دکتر حامد حق کیش، دکترای تخصصی (PhD) مهندسی عمران، گرایش
مهندسی و مدیریت ساخت

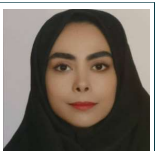
صفحه ۱۵

یادداشت

صفحه ۱۱

از تصور تا واقعیت "جستجوی نماهای رومی در قلب رم"

مهندس مهتاب هاشمی آقاجری، پژوهشگر دکترای تخصصی (PhD)
دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز



یادداشت

آرمان گرایی جوان ایرانی ما عبارت است از ترسیم آینده‌یی با این خصوصیات. ما نظام و کشوری می‌خواهیم که پیشرفته باشد و مردم آن دانشمند و بیدار و زنده باشند؛ غفلت زده و خواب‌آلوده نباشند؛ کشور برخوردار از عدالت باشد؛ مبری از فساد باشد؛ طبقه‌ی اشراف بر آن حاکمیت نداشته باشد - چه اشراف سنتی، چه طبقه‌ی جدیدی که ممکن است اسمشان اشراف نباشد، اما در واقع اشراف باشند و به قول آقایان از رانت‌های گوناگون اقتصادی استفاده کنند - برخوردار از قدرت و استحکام سیاسی باشد؛ و همه‌ی اینها الهام گرفته‌ی از معارف دین و اسلام عزیز باشد. اسلام این ظرفیت را دارد که اینها را به ما تعلیم دهد

بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۹



صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

سعید خیری

سرمدیر:

آراز ادوای

اعضای هیئت تحریریه:

دکتر حامد حق کیش

مهندس زهرا قنبری

مهندس مهدی رضایی

مهندس نسا امیر احمدی

سرمقاله



سعید خیری
صاحب امتیاز و مدیرمسئول

که تلاش کنیم تحلیل‌های منتشره در نشریه، مبتنی بر داده‌های واقعی و دیدگاه‌هایی متنوع باشند، تا از یک‌جانبه‌نگری پرهیز کرده و بر اعتبار مطالب بیفزاییم. با انتشار صریح اما، به نیت بررسی دقیق‌تر موضوع مسکن، که هم به عنوان یکی از پیشران‌های اصلی اقتصاد کشور و هم به عنوان یکی از موضوعاتی که در حال حاضر به دغدغه اصلی مردم بدل شده است، برآنیم که ویژه‌نامه سکونت را، با انتشار مستمر، در کنار بدنه اصلی نشریه به شما مخاطبان عزیز ارائه خواهیم کرد؛ ویژه‌نامه‌ای که با تمرکز بر الگوهای سکونتی، شهرسازی، عمران، معماری و مدیریت انرژی در ساختمان‌ها، به چالش‌های زندگی شهری خواهد پرداخت. این ویژه‌نامه، در کنار انتشار مقالاتی در خور نگاه متخصصین حوزه سکونت، تلاش خواهد کرد راهکارهایی در جهت مطلوبیت هر چه بیشتر حس شهروندانی که به کیفیت زندگی‌شان اهمیت می‌دهند پیشنهاد کند. صریح نه تنها یک نشریه، بلکه یک پلتفرم برای گفت‌وگو است. ما از خوانندگان، کارشناسان و فعالان اقتصادی دعوت می‌کنیم تا دیدگاه‌های خود را با ما به اشتراک بگذارند. این شماره نخست، آغاز یک تعهد بلندمدت به شفافیت در اطلاع رسانی اقتصادی است. با ما همراه باشید تا با هم، آینده‌ای روشن‌تر بسازیم.

قول و قرار صریح

در نشریه صریح انتشار مطالب کارشناسی در حدود امکانات نشریه، برای همه آزاد است؛ این نشریه در قبال مطالب منتشر شده کارشناسی، مسئولیتی بر عهده ندارد و مطالب منتشر شده دیدگاه نویسندگان و مصاحبه‌شوندگان آن‌ها را منعکس می‌کند اما، نشریه خود را، در حدود اختیار و امکانش، موظف به فراهم کردن زمینه گفت و گو میان صاحبان اندیشه و قلم می‌داند.

در دنیای پرتلاطم اقتصاد امروز، جایی که نوسانات بازارها، تحولات برق‌آسای تکنولوژیکی و چالش‌های شهری دست در دست هم، آینده جوامع را شکل می‌دهند، نشریه صریح، به عنوان دوهفته‌نامه‌ای اقتصادی، می‌کوشد با ارائه تحلیل‌های کارشناسی، پرونده‌های موضوعی مطالعه شده و مصاحبه‌های تخصصی با کارشناسان برجسته، پا به عرصه مطبوعات بگذارد. ما بر این باوریم که اقتصاد نه تنها ارقام و شاخص‌هاست، که پیوندی ناگسستنی با زندگی روزمره شهروندان، ساختارهای شهری و پیشرفت‌های فناورانه دارد. از این رو، صریح را به عنوان پلی میان متخصصان و عموم جامعه طراحی کرده‌ایم تا با زبانی روان اما تخصصی، مسائل پیچیده را واکاوی کنیم. استراتژی اصلی صریح بر محور پرونده‌های مطالعاتی بنا شده است. پرونده‌هایی که در هر شماره، موضوعی کلیدی را از زوایای گوناگون بررسی می‌کنند؛ این رویکرد، با الهام از روش‌های تحلیلی پیشرفته در رسانه‌های جهانی، اجازه می‌دهد تا با گردآوری داده‌های معتبر، تحلیل‌های کارشناسی و مصاحبه‌های مستقیم با سیاست‌گذاران، اقتصاددانان و فعالان بخش خصوصی، تصویری، تا اندازه توان‌مان جامع را در اختیار مخاطبان نشریه قرار دهیم. امیدمان بر این است که در ایفای مسئولیت اجتماعی مطبوعاتی‌مان، بتوانیم با پیگیری این استراتژی، نه تنها کمک‌رسان تصمیم‌گیری‌های آگاهانه اقتصادی خوانندگان‌مان باشیم، بلکه پلی باشیم برای ارسال سیگنال‌های کارشناسی لازم به سیاست‌گذاران برای اصلاحات مورد لزوم در فضای اقتصادی جامعه. تاکید ما از همان ابتدای مسیر حرکت‌مان بر این است

صریح؛ آینه بیدار اقتصاد

شماره تماس سازمان آگهی و مشاوره

۰۹۰۱۱۶۳ ۳۱۳۱

درگاه اینترنتی: www.sarihonline.ir

تیم رسانه و فناوری صریح همراه شما در
اجرای کمپین‌های تبلیغی و سنجش بازار

دکتر محمدباقر بهشتی در گفتگوی صریح با صریح :

دشمن اصلی ما همین رانت خواران و قاچاقچیان هستند



محمد باقر بهشتی
استاد اقتصاد دانشگاه تبریز

جناب دکتر شرایط اقتصادی کشور بعد از جنگ ۱۲ روزه و عکس العمل دولت نسبت به این موقعیت را چطور ارزیابی می کنید؟

اقتصاد ایران مبتلا به مشکلات اساسی و ساختاری است؛ این جنگ ۱۲ روزه تحمیلی مشکلات را تشدید کرد و بیشتر از قبل معضلات را نمایان نمود. اما تجربه جنگ تحمیلی ۸ ساله به مسئولین کشور کمک کرد که در این ۱۲ روز در مدیریت مسائل و به خصوص توزیع کالا نسبتاً موفق عمل کنند.

در واقع با توجه به آگاهی قبلی دولت از احتمال وقوع چنین حمله‌ای، مسئولان کشور باید پیش‌بینی‌های لازم را انجام می‌دادند. به نظر من کیفیت این پیش‌بینی‌ها درست نبود. با توجه به اتفاقاتی که پس از هفت اکتبر در غزه ۲۰۲۳ رخ داد نشان از این دارد که این مسائل توطئه‌ای علیه ایران بوده است. اگر این مساله پیش‌بینی شده بود مسئولین کشور می‌توانستند احتمال رسیدن جنگ به ایران را بدهند و از وقوع آن جلوگیری کنند که متأسفانه اینگونه نشد. جنگ غزه آغاز شد و بعد چه بلایی سر لبنان آمد؛ سوریه متلاشی شد و زورمداران، یک داعشی را رییس کشور کردند. این رخدادها باید ما را بیشتر متوجه می‌کرد تا واقعیت‌ها را درست ببینیم و تصمیمات پیش‌گیرانه‌ای اتخاذ می‌کردیم متأسفانه نتایج به دست آمده در کلیت نشان می‌دهد که ما چندان از این اتفاقات درس نگرفتیم.

این جنگ ۱۲ روزه تحمیلی مشکلات را تشدید کرد و بیشتر از قبل معضلات را نمایان نمود. اما تجربه جنگ تحمیلی ۸ ساله به مسئولین کشور کمک کرد که در این ۱۲ روز در مدیریت مسائل و به خصوص توزیع کالا نسبتاً موفق عمل کنند.

آقای دکتر با توجه به وضعیتی که با اسنپ بک ایجاد شده است شرایط اقتصاد کشور چگونه خواهد بود؟

ما لازم است کل تفکرمان را راجع به حکمرانی عوض کنیم. باید علت‌یابی کنیم که چرا این اتفاق افتاده است و چرا شورای امنیت شش

قطعه‌نامه مطابق فصل هفتم منشور ملل متحد علیه ما صادر کرده است؟ چرا علیه اندونزی و مالزی چنین قطعه‌نامه‌هایی صادر نمی‌شود؟ هر چند می‌دانیم که سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل از زمان تأسیس در بعد از جنگ جهانی دوم در دست زورمندان دنیاست. حق و تو در شورای امنیت اساساً به معنی حاکمیت زور در دنیاست. چنان که اخیراً علی‌رغم آن که چهارده کشور از پانزده عضو شورای امنیت به مصوبه‌ای در ارتباط با غزه رای مثبت دادند، ولی تنها با یک رای منفی آمریکا مصوبه و تو و نتیجه بلا اثر شد.

باید توجه کنیم برجام در همین ساختار به امضاء رسید که این توافق یکی از افتخارات جمهوری اسلامی است که به تصویب شورای امنیت نیز درآمد. در حالی که در زمان دولت‌های دهم و یازدهم شش قطعه‌نامه بر علیه ایران تصویب شده بود و ایران ذیل فصل هفتم منشور ملل قرار گرفته و به عنوان خطری برای امنیت جهان شناخته شده بود، برجام جلوی جنگ را گرفت.

اما برجام دو قسم مخالف جدی داشت؛ اول اسرائیل و برخی کشورهای عربی و دوم قاچاقچیان و رانت‌خواران داخلی. در ایران رانت خواران حرف اول را می‌زنند. ببینید کسی که به خاطر مفاسد اقتصادی به زندان و اعدام محکوم شده بود الان مشغول فعالیت اقتصادی است به طوری که چند هزار تاکسی و چندین هواپیما و اتوبوس خریده و با لحن توهین آمیز به رئیس کل بانک مرکزی پیام می‌دهد. این نوع رفتار، سلامت نظام اقتصادی ایران را زیر سوال می‌برد.

ما نتوانستیم از ظرفیت برجام برای برقراری صلح در جهان استفاده کنیم. بعد از برجام حدود ۱۵۰ شرکت خارجی برای سرمایه‌گذاری به ایران آمدند. سوال این است چه کسانی جلوی سرمایه‌گذاری اینها را گرفتند؟

اگر این شرکت‌های خارجی در ایران و مخصوصاً در پارس جنوبی، به عنوان بزرگ‌ترین میدان گازی در جهان، سرمایه‌گذاری کرده بودند، ما می‌توانستیم در هر سال بالای ۵۰ میلیارد دلار از این میدان گاز صادر کنیم. در حالی که الان در برابر صادرات ۴۰ میلیارد دلاری سالانه قطری‌ها ما ۴ سنت هم صادر نمی‌کنیم. کسانی که جلوی سرمایه‌گذاری خارجی را گرفتند باید پاسخ بدهند. باید دانست عدم سرمایه‌گذاری، آینده ایران را به خطر می‌اندازد. اسنپ بک معلول است یا هر مصوبه‌ای بر علیه ایران در هر سازمان بین‌المللی‌ای معلول است. باید علت‌ها را شناخت و مشکلات را ریشه‌ای حل کرد.

چشم انداز بیست ساله (۱۳۸۴-۱۴۰۴)، که امسال آخرین سال آن است، ایران می‌بایست تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌المللی می‌داشت. آیا چنین شده است؟

در دنیا ۲۱۷ کشور وجود دارد باید بدانیم ما حاکم دنیا نیستیم. کشوری هستیم که یک درصد مساحت دنیا را، که برابر با مساحت هفت کشور اروپایی آلمان، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، هلند، دانمارک و بلژیک است، ۱/۱ درصد جمعیت دنیا را داریم. پس چه شده است که ما به اندازه سهم‌مان از جمعیت و مساحت دنیا تولید نداریم؟ چه کسانی جلوی رسیدن ما به این چشم‌انداز را گرفته‌اند؟

ما به جای تولید ۱۲۰۰ میلیارد دلاری فقط ۴۰۰ میلیارد دلار تولید داریم. مسبب تمامی اینها کاسبان تحریم هستند. در تاریخ نوشته خواهد شد که رانت‌خواران و مدیران ناتوان سالانه ۸۰۰ میلیارد دلار به

زیادی به ما داده است اما ما بسیاری از نعمت‌های خدادادی کشورمان را از بین برده‌ایم.



آقای دکتر در مورد مشکل تورم و نقدینگی هم بفرمایید. ارزش پول ملی کاهش محسوسی پیدا کرده و زندگی را برای مردم و خانواده‌ها سخت کرده است. این عدم اجرای درست برنامه‌های توسعه که می‌فرمایید در کنار فشاری که برخورداران از رانت‌ها و موقعیت‌های خاص می‌آورند شرایط سخت را تشدید کرده است. الان راهکار خروج از دشواری‌های پیش آمده برای مردم چیست؟

همانطور که گفتیم اقتصاد ایران اشکالات ساختاری دارد. یک معنای تورم این است که تقاضا افزایش یافته اما تولید به تناسب آن افزایش پیدا نکرده است. از سوی دیگر مسئولین کشور واقف نیستند که سیاست‌های‌شان افزایش تقاضاست. مثلاً ادعا می‌کنند که باید جمعیت افزایش پیدا کند. بسیار خوب. ولی این جمعیت به آب نیاز دارد. این آب را از کجا تامین می‌کنید. مطابق با شاخص‌های سازمان ملل باید برای هر نفر در سال، ۲۰۰۰ متر مکعب آب وجود داشته باشد. ما با جمعیت ۹۰ میلیون نفری باید ۱۸۰ میلیارد متر مکعب آب داشته باشیم. در حالی که ۱۰۰ میلیارد متر مکعب بیشتر نداریم. نتیجه آن این است که همه آب‌های زیر و روی زمین را از بین بردیم. در چنین مواردی است که نیاز به بحث علمی برای اداره کشور کاملاً آشکار می‌شود.

ما در کشور طرف تقاضا را روز به روز افزایش داده‌ایم و برای همه چیز از جمله برق و آب و غیره تقاضا ایجاد کرده‌ایم. اما تولید و عرضه را به تناسب بالا نبرده‌ایم و این تفاوت، تورم را به بار آورده است. از طرف دیگر دولت هزینه‌های مستمر و دائمی دارد که آن را با افزایش حجم نقدینگی پوشش می‌دهد و این مساله هم باعث افزایش تورم می‌شود. یعنی در مجموع سیاست‌های خود دولت تورم‌زاست.

در اینجا است که برای اصلاحات ساختاری لازم است اندیشه حکمرانی در کشور اصلاح شود. در چارچوب این اصلاحات باید دید که اقتصاد یعنی چه و روش علمی برای اصلاح ساختاری جامعه چیست؟ ما تنها کشوری در دنیا هستیم که به مدت بیش از ۴۰ سال تورم دو رقمی داشته‌ایم. سال‌ها این تورم حدود ۲۰ درصد بوده است و الان چندین

ایران خسارت وارد کردند.

ما باید با یک بینش و تفکر درست و جدید با دنیا و به ویژه با کشورهای همسایه تعامل داشته باشیم و فهم‌مان را از مسائل اطراف‌مان اصلاح کنیم. به عنوان مثال دالان زنگزور در صورت داشتن تفکر راهبردی درست، یک فرصت است و نه یک تهدید. در این زمینه نوع تفکر دکتر پزشکیان خیلی درست است. نظر ایشان این است که عدم حضور ما در منطقه باعث شده است که رژیم صهیونیستی بتواند در همسایه ما حضور پیدا کند. اگر ما ارتباطات‌مان را قبلاً تقویت کرده بودیم چنین حضوری ممکن نمی‌شد و ما می‌توانستیم با اصلاح اندیشه‌مان بهتر عمل کنیم. نحوه تعامل و همکاری اقتصادی‌مان با همسایگان و دنیا را باید بازبینی کنیم. برای برقراری صلح پایدار در منطقه باید علاوه بر روابط سیاسی سرمایه‌گذاری‌های مشترک با همه کشورهای همسایه داشته باشیم.

آقای دکتر ما چرا هنوز هم نتوانسته‌ایم در دولت‌های مختلف از جناح‌های مختلف به سیاست‌های یکدستی بر اساس منافع و مصالح ملی دست پیدا کنیم؟

ما بسیاری از بخش‌های قانون اساسی مصوب خودمان را اجرا نمی‌کنیم. اگر قانون اساسی اجرا نشود داشتن یا نداشتن آن چه فرقی می‌کند. ما در قانون اساسی جایگاه تشکلهای احزاب را تعریف کرده‌ایم. در هیچ کشوری در دنیا بدون وجود حداقل دو حزب قوی غیر دولتی امکان این که مردم سالاری واقعی پیاده شود وجود ندارد. وقتی ما این بخش از قانون اساسی را به درستی اجرایی نکرده‌ایم به این معنی است که در این ۴۶ سال کشور را سلیقه‌ای اداره کرده‌ایم که نتایج و مسایل و مشکلات فعلی حاصل این روش حکمرانی است.

اگر احزاب شناسنامه‌دار کشور را در این سال‌ها اداره می‌کردند در این صورت مسیر حرکت کشور براساس برنامه پیش می‌رفت، چرا که احزاب اساسنامه و مرامنامه دارند و کاندیداهای احزاب برای پیاده کردن برنامه‌های مشخص تبلیغ می‌کنند. چون احزاب را مورد توجه قرار ندادیم کل دوره بعد از انقلاب را سلیقه‌ای اداره کرده‌ایم و کاندیداهای مجلس، شوراها یا ریاست جمهوری، شعارهایی در دوران نامزدی داده‌اند هیچ ضمانتی نداشته است، در حالی که اگر احزاب به قدرت می‌رسیدند هم طبق برنامه عمل می‌کردند و هم پاسخگو می‌شدند. بنابر این یکی از اشکالات ساختاری در کشور عدم توجه به جایگاه احزاب در حکمرانی است.

برنامه‌های توسعه ما ۵ ساله است و دولت‌های ما چهار ساله انتخاب می‌شوند. این به این معناست که دولت نباید خارج از برنامه عمل کند و تغییرات اساسی در برنامه‌ها به وجود بیاورد. دولت در واقع وقتی به قدرت می‌رسد مجری برنامه‌هاست. بنابراین دولت‌ها باید مجری برنامه باشند. چشم انداز بیست ساله اگر اجرا می‌شد آنگاه چهار برنامه ۵ ساله در امتداد هم تهیه و اجرا می‌شد که نشده است.

باید دقت کنیم که چرا چشم‌انداز بیست ساله را تدوین کردیم و چرا آن را اجرا نکردیم. ما نباید تصور کنیم که همه دنیا جمع شده‌اند تا اجازه ندهند ما جلو برویم. این حرف‌های بچگانه است. ما باید ببینیم در دنیا می‌خواهیم چه کنیم باید خودمان را تعریف کنیم. ایران توانایی بسیار بالایی دارد که از آن نتوانسته است استفاده کند. خداوند نعمت‌های

بخش شبه دولتی بر خلاف بخش دولتی تحت نظارت مجلس و دیوان محاسبات نیست. یعنی ما به جای اصلاح نظام اقتصادی آن را بدتر کردیم. همه فساد و اختلاس از همینجا ناشی می شود. ما باید نظام اقتصادی را ابهام زدایی کنیم.

نتوانسته ایم بر اساس سابقه تاریخی موجود در ایران بخش خصوصی و نظام سرمایه داری را شکل بدهیم.

ما باید بر اساس سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش خصوصی را توانمند بکنیم و اقتصاد کشور را که الان نزدیک به ۸۰ درصد آن را دولت در کنترل دارد به بخش خصوصی بسپاریم. دولت ما دولت ناتوان اما پرهزینه است و یکی از دلایل تورم، خود دولت و حجم بزرگ آن است. وقتی که می توان ساعات کار روزانه را در دولت به ۴ ساعت تقلیل داد، پس حتی با تعطیلی دولت هم اتفاق چندانی رخ نخواهد داد. در ایران تعداد مدیران با تعداد کارمندان در ژاپن، که ۵۰ میلیون نفر جمعیت بیشتری از ما دارد، برابر است. تعداد کارمندان در آمریکا با ۳۴۰ میلیون جمعیت و ۵۰ ایالت کمتر از یک میلیون نفر است. تمامی اینها را باید حکمرانی نو اصلاح کند و با تدوین اصول نو اقتصاد کشور را راه بیندازد.

جناب دکتر این بخش خصوصی یعنی مشارکت دادن مردم در اقتصاد. مردمی که این روزها انواع فشارها را تجربه و تحمل می کنند اما باید در این موقعیت کشور همراهی کنند که مشکلات رفع شود. الان در این هنگامه مردم باید چه بکنند و تکلیفشان چیست؟

اشکال کار در نوع رابطه مردم با دولت است. هر زمان که دولت به مردم نیاز دارد به مردم مراجعه می کند اما در مواقع دیگر اینطور نیست. این خیلی بد است. در جنگ تحمیلی ۸ ساله ما به یاری مردم بعد از ۲۰۰ سال برای اولین بار شکست نخوردیم و همین شکست نخوردن خودش پیروزی بود. اما هرگز در زمان جنگ به بعد از جنگ فکر نکردیم. ما با این که جنگ ۸ سال ادامه پیدا کرد همیشه جنگ را کوتاه مدت می دیدیم. به جز یک نفر که آن هم خود امام (ره) بود. ایشان می گفت که اگر این جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد ما ایستاده ایم. ولی بقیه مسئولان همگی در هر عملیاتی تصور می کردند که آخرین عملیات در حال اجراست.

چون ما در زمان جنگ به بعد از جنگ فکر نکردیم، بعد از این که جنگ تمام شد، این نیروهایی که در زمان جنگ خودشان فرمانده بودند و کلی زحمت کشیده بودند و جانفشانی کرده بودند و آدم هایی را که منشا خدمات بودند و سرمایه های کشور بودند را با رانت های اقتصادی از دست دادیم و با سهمیه های دانشگاهی و غیره به جای این که توانمندسازی کنیم و در جریان رقابت قرار بدهیم تا از موضع درست پیش بروند، ناخواسته در مسیر نادرست قرار دادیم و بهترین

سال است که بین ۳۰ و حتی ۴۰ و ۵۰ درصد در گردش است. بدیهی است که این رویه قابل دوام نیست، چون معنی تورم مالیات بر فقر است. ما در ایران طبقه متوسط را از میان برده ایم. یک طبقه اغنیا داریم که اصلاً حساب و کتابشان جداسازی و در مقابل با تضعیف طبقه متوسط این طبقه هم در طبقه فقیر ادغام شده است. طبقه متوسطی که الان به دشواری می تواند مسافرت را در برنامه زندگیش بگنجانند. طبق قانون اساسی ما لازم است فقر زدایی کنیم در حالی که نتیجه سیاست های ما فقرزایی بوده است. حکمرانی را باید تعریف کنیم و در چارچوب آن اقتصاد را تعریف کنیم و در همین قالب به مدیریت علمی کشور بپردازیم.

جناب دکتر عجب اینجاست که تفاوت قابل ملاحظه ای با تغییر دولت ها در این مشکلات ایجاد نمیشود!

به این دلیل تفاوتی مشاهده نمی شود که در ایران رانت خواران بسیار قدرتمندند. وقتی به گفته رئیس مجلس ۳۰ میلیارد دلار حجم قاچاق در کشور است. وجود این حجم از قاچاق به معنی ناتوانی دولت از محافظت از مرزهای کشور است. در واقع عده ای با تکیه بر قدرتشان کالاهایی به ارزش ۳۰ میلیارد دلار جابجا می کنند. در این شرایط نوعی عدم وجود دولت در ذهن متبادر می شود چون وظیفه اصلی و اولیه دولت محافظت از مرزهاست. طبق گفته ایشان، در زمانی که در سمت فرماندهی نیروی انتظامی بود سخنرانی می کرد، قاچاقچیان ۷۳ اسکله و دو فرودگاه دارند. ما باید تفکرات خودمان در حکمرانی را واقعاً غربالگری کنیم. ما باید روش هایی مبتنی بر علم و سلامت و شفافیت تعریف کنیم. الان به روش سرقت و دزدی و اختلاس اجازه نفوذ داده ایم.

آقای دکتر برخی موارد رخ داده مثل اختلاس های پیش آمده چقدر می تواند در تورم موجود موثر بوده باشد؟

یکی از ابهاماتی که در این زمینه وجود دارد نظام اقتصادی است. ما در ایران نمی دانیم که چه نوع نظام اقتصادی را اجرا می کنیم. قانون اساسی ما مطابق با اصل ۴۴، اقتصاد ایران را دولتی تعریف کرده است. اما بعد از فروپاشی شوروی، با تأسیس سازمان تجارت جهانی و درخواست عضویت ما در این سازمان، ما می بایست شرایط اقتصادمان را با قواعد اقتصاد آزاد مطابقت می دادیم.

از آنجا که اقتصاد کشورمان بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی به طور عمده دولتی و بخش کمتری تعاونی و بخش ناچیزی خصوصی است، ایران پیشقدم شد و با استفاده از اختیارات رهبری، سیاست های کلی اصل ۴۴ را تدوین کرد و سهم دولت در اقتصاد را حداکثر تا ۲۰ درصد تعریف نمود تا هنگام مذاکرات با سازمان تجارت جهانی مساله دولتی بودن اقتصاد حل شده باشد. اما در اجرا دولت ها و روسای جمهوری که تفکرات سوسیالیستی داشتند به جای خصوصی سازی اقتصاد، آن را شبه دولتی کردند. این بخش شبه دولتی بر خلاف بخش دولتی تحت نظارت مجلس و دیوان محاسبات نیست. یعنی ما به جای اصلاح نظام اقتصادی آن را بدتر کردیم. همه فساد و اختلاس از همینجا ناشی می شود. ما باید نظام اقتصادی را ابهام زدایی کنیم.

تنها نظام اقتصادی موفق در دنیا نظام اقتصاد آزاد است. حتی در چین نظام اقتصاد آزاد توسط حزب کمونیست اداره می شود. ما هم باید نظام اقتصاد آزاد را برای خودمان تدوین و اجرا کنیم. اما متأسفانه تا به حال

ارومیه از محصولات کم‌آب‌بر به محصولات پرآب‌بر این دریاچه را خشک کردند. به جای بادام و سنجید، سیب و سیب‌زمینی و چغندر قند را ترویج کردند.

سطح زیر کشت را هم افزایش دادند. قبل از انقلاب در حوزه دریاچه ارومیه ۲ میلیون تن محصول تولید می‌شد که ۲ میلیارد متر مکعب آب نیاز داشت. میزان بارندگی در حوزه آبریز دریاچه ارومیه هم ۳ تا ۴ میلیارد متر مکعب بود در نتیجه مشکلی وجود نداشت. در حال حاضر در همان حوزه ۸ میلیون تن محصول تولید می‌شود. پس این مقدار محصول به ۷ تا ۸ میلیارد متر مکعب آب نیاز دارد. این آب از کجا تامین می‌شود؟ ۳ تا ۴ میلیارد از بارندگی و مابقی از آبهای زیر زمینی‌ای که هر چه داشتیم از بین بردیم. سدهایی که با حمایت نمایندگان استان‌های آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل زده شد و جلوی ورود آب به دریاچه ارومیه را گرفت. بگذریم از جاده و پلی که به غلط در میانه دریاچه زده شد.

مجموعه شرایط را فراهم کردیم تا دریاچه خشک بشود. همه مسئولین باید در این زمینه عذرخواهی بکنند. باید سیاست‌ها به این سمت برود که حقایق دریاچه ارومیه داده شود. باید سدها خراب بشود و الگوی کشت عوض شود. دقت داشته باشید که کل ارزش تولید بخش

از آنجا که شمال غرب کشور نقش اساسی در کل تاریخ حکمرانی و استقلال ایران داشته است به همین دلیل هم که شده حاکمیت باید خود را موظف به احیای دریاچه ارومیه بداند. اگر دریاچه ارومیه نباشد شمال غرب کشور از میان خواهد رفت.

کشاورزی ما در ایران ۴۰ میلیارد دلار است. اما از ۱۰۰ میلیارد متر مکعب آبی که داریم ۹۰ میلیارد را در بخش کشاورزی مصرف می‌کنیم. به عبارت دیگر ارزش محصولات کشاورزی در مقابل ارزش آب مورد استفاده بسیار ناچیز است.

ما تفکرمان اشتباه است. ما شعار خودکفایی دادیم. این یعنی ویران کردن ایران. چه کسی گفته است که گندم را باید به هر قیمتی تولید بکنیم. اگر تعامل با دنیا داشته باشیم می‌توانیم گندم را در جاهایی که مناسب است بکاریم و در کنار تولید داخلی از تولید در خارج و واردات هم بهره ببریم. تعامل با دنیا بسیاری از مشکلات ما را حل می‌کند. از آنجا که شمال غرب کشور نقش اساسی در کل تاریخ حکمرانی و استقلال ایران داشته است به همین دلیل هم که شده حاکمیت باید خود را موظف به احیای دریاچه ارومیه بداند. اگر دریاچه ارومیه نباشد شمال غرب کشور از میان خواهد رفت. این در حالی است که آذربایجانی‌ها در همه جای ایران زندگی می‌کنند و من معتقدم که بیش از همه قومیت‌ها روحیه ایران‌وطنی دارند.

آقای دکتر به عنوان صحبت پایانی بفرمایید که در مجموع باید

نیروهای بعد از جنگ را از دست دادیم. ما کاری کردیم که دو نفری که رتبه هفده و هفده‌هزار آورده‌اند در کنار هم نشستند. ما این مسائل را خودمان درست کردیم و تمام این مسائل هم راه حل دارند. البته اگر ما بخواهیم که اجرا کنیم. برای اجرای این راه‌حل‌ها هم باید مسئولان رده بالا بفهمند و بپذیرند که اشتباه کرده‌اند.

ما نباید ابداعات جدید خودساخته غیر علمی در مدیریت کشور اعمال کنیم. باید باور کنیم که ما تنها کشور در جهان نیستیم. و می‌توانیم از علم واقعی و تجربیات کشورها در جهان استفاده کنیم.

مالزی و اندونزی چه کرده‌اند. اندونزی به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان دنیا چه کرده است که الان در مسیری است که روز به روز در حال پیشرفت است. خوب چرا ما چنین مسیری را دنبال نکردیم.

آقای دکتر در مورد مباحثی که در مورد تک‌نرخی یا چندنرخی شدن ارز وجود دارد نظر تان چیست؟ نقش این مساله در تورم را چگونه می‌یابید؟

بهترین وضعیت ارز تک‌نرخی است چون همین که ارز دو نرخی می‌شود رانت‌خواران برای گرفتن ارز به قیمت دولتی و فروش آن در بازار آزاد دست به کار می‌شوند. اوایل انقلاب نرخ از حدود ۲۰ نوع بود. اما در سال ۱۳۷۳ تبدیل شد به یک نرخ که تجربه تک‌نرخی ما بود. اما با ارز تک‌نرخی لازم است که عرضه و تقاضای ارز برابر باشد. ارز ما بیشتر از طریق فروش نفت حاصل می‌شود. ما اگر با دنیا تعامل مناسب و عادی نداشته باشیم جلوی صادرات نفت ما را می‌گیرند و بنا براین درآمد ارزی ما کم می‌شود و مجبور می‌شویم محدودیت‌هایی در داخل ایجاد کنیم و همین امر موجب بالا رفتن نرخ ارز می‌شود. ما باید با دنیا رابطه عادی داشته باشیم که جریان ارز مناسب را تامین کنیم. از سوی دیگر باید جلوی رانت‌خواران و قاچاقچیان را بگیریم که شرایط جامعه عادی بشود. در اقتصاد عادی یک جامعه عادی بدیهی است که نرخ ارز هم یکی است و بازار تعیین‌کننده نرخ ارز است.

در حال حاضر یک سری رانت‌خواران نرخ ارز را تعیین می‌کنند چرا که در عمل عرضه و تقاضای ارز را آن‌ها تعیین می‌کنند. هر وقت می‌خواهند ارز را از بازار جمع می‌کنند و هر وقت می‌خواهند به بازار عرضه می‌کنند. در حالی که تمامی سیاست‌های پولی و ارزی را اصولاً باید بانک مرکزی تعیین کند.

تمامی اتفاقاتی که برشمردیم بر علیه مردم و به نفع رانت‌خواران و قاچاقچیان تمام می‌شود. اینها دشمنان ما هستند در داخل کشور. اصلاً دشمن اصلی ما همین رانت‌خواران و قاچاقچیان هستند. ما بلدیم دشمن خارجی را دفع کنیم اما باید راه مبارزه درست با دشمنان داخلی را هم پیدا کنیم.

در این میانه وضعیت منطقه شمال غرب و آذربایجان چگونه است؟

متأسفانه در منطقه ما یکی از مهم‌ترین مسائل این است که دریاچه ارومیه را یک تعداد مسئولان، مدیران و کارشناسان ناتوان و ناشایست خشک کرده‌اند. اینان نمی‌فهمند ضرورت حفظ محیط زیست چیست؟ در زمان دولت‌های نهم و دهم ۸۵ هزار حلقه چاه زده شد چرا که دولت معتقد بود برای زدن چاه نیازی به مجوز دولتی نیست. همه مسئولان دست به دست هم دادند و با تغییر الگوی کشت در حوزه آبریز دریاچه

مشاهده منابع در سایت هفته‌نامه صريح

نگاه صريح

توضیحی پیرامون شایعات شبه‌علمی کذب در ارتباط با بحران نابودی دریاچه ارومیه



دکتر علی محمدخورشید دوست
استاد دانشگاه تبریز

دریاچه ارومیه که زمانی ۳۲ میلیارد متر مکعب آب داشت، به دلیل سوءمدیریت منابع آبی و حوضه‌ای خشک شده و یک بحران زیست‌محیطی ایجاد است (IPCC, ۲۰۲۳). اما عوامل انسانی نقش اصلی را داشته‌اند: احداث ۷۴ سد بر رودخانه‌های تغذیه‌کننده مانند زرينه‌رود و سيمينه‌رود جریان آب را تا ۷۰ درصد کاهش داده است (وزارت نیرو، ۱۳۹۸). در حدود ۶۵/۰۰۰ تا ۷۵/۰۰۰ حلقه چاه غیرمجاز سالانه ۲-۱/۵ میلیارد متر مکعب آب زیرزمینی استخراج می‌کنند (سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۴۰۰). گسترش کشاورزی از ۳۲۰/۰۰۰ به ۶۰۰/۰۰۰ هکتار با کشت محصولات آب‌بر مانند سیب و چغندر قند مصرف آب را شدت بخشیده است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۶). پل میان‌گذر کلانتری نیز تا حدودی جریان آب را مختل کرده و طرح‌های انتقال آب از ارس و زاب تنها ۲۰-۱۵ درصد آب را به دریاچه رسانده‌اند (ستاد احیای دریاچه ارومیه، ۱۴۰۲).

شایعات کذب شبه‌علمی مانند هارپ (HAARP)، ابردزدی، هاله حرارتی، و تغییر نوع ابر هیچ نقشی در خشکی دریاچه ندارند. HAARP یک برنامه تحقیقاتی برای یونسفر بود که بر تروپوسفر، محل پدیده‌های آب و هوایی تأثیری ندارد. قدرت آن برای تغییر اقلیم کافی نبوده است (Modern Diplomacy, ۲۰۲۳; Forbes, ۲۰۲۵). فرار ابری در کار نبوده و کوه‌های زاگرس و البرز نقش همیشگی را ایفا نموده‌اند که به اقلیم طبیعی مربوط است. ترکیه با سدسازی آب سطحی را محدود کرده، اما ابرها را نمی‌تواند کنترل کند (طلانیوز، ۲۰۲۳; همشهری آنلاین، ۲۰۲۴). هاله حرارتی دیگر شایعه کذب همراه با جریان‌های همرفتی ناشی از نمک و متان‌آلود وجود ندارند و در ثانی علت خشکی نیستند و تأثیر همه عوامل دیگر محلی و بسیار ناچیز است (ایران اکونومیست، ۲۰۲۴). این شایعات برای انحراف از سوءمدیریت داخلی مطرح شده‌اند و فاقد پایه علمی هستند. خشکی دریاچه تنوع زیستی (زیستگاه ماهیان و پرندگان)، سلامت (طوفان‌های نمکی)، و معیشت جوامع محلی را تهدید کرده و فرونشست زمین را تشدید کرده است. احیای دریاچه نیازمند تخصیص حق آبه ۳/۱ میلیارد متر مکعبی با حذف عملکردهای فشاری سدها، تغییر کشت به محصولات کم‌آب‌بر، مسدود کردن چاه‌های غیرمجاز و در شرایط کنونی، حتی مجاز، و اصلاح پل میان‌گذر است. سوءمدیریت منابع آبی و اکوسیستم عوامل اصلی خشکی دریاچه هستند و شایعات شبه‌علمی نباید مسئولیت مدیریت نادرست را نادیده بینگارند.



برای برون‌رفت از این شرایط کشور چه کرد؟

تمرکز قدرت و ثروت همیشه فساد ایجاد می‌کند. رانت‌خواران ثروت دارند و این توان را دارند که از طریق ثروت آدم‌های سیاسی را به قدرت برسانند. در همین مجلس چند نماینده داریم که در غیاب احزاب و تفکر حزبی با هزینه میلیاردی تبلیغات وارد مجلس شده‌اند؛ اگر نماینده‌ای چند میلیارد تومان صرف هزینه تبلیغات کند مگر می‌تواند سالم بماند؟ مگر یک نماینده مجلس چقدر حقوق می‌گیرد که بتواند هزینه تبلیغاتش را پوشش بدهد. نماینده‌ای که از اول تا آخر دوره نمایندگی زیر ۵ میلیارد تومان حقوق می‌گیرد چطور خواهد توانست ۱۰ میلیارد تومان صرف هزینه تبلیغاتش کند؟ این یکی از آثار حزبی نبودن قدرت در کشور است. احزاب در سیستم حزبی برنامه‌های‌شان را اعلام می‌کنند و مردم در هر منطقه به نماینده حزبی که تمایل دارند رای می‌دهند و فرد نیازی به تبلیغات اضافه ندارد.

باید در کشور جلوی تمرکز قدرت و ثروت را بگیریم. در این مورد هم تجربه در دنیا این است که جلوی تمرکز قدرت را با توزیع قدرت

باید در کشور جلوی تمرکز قدرت و ثروت را بگیریم. در این مورد هم تجربه در دنیا این است که جلوی تمرکز قدرت را با توزیع قدرت از طریق دموکراسی گرفته‌اند و این در حالی است که ما هنوز هم استانداران و فرماندارانی داریم که با تفکر استبدادی بر علیه شوراها اقدام می‌کنند.

از طریق دموکراسی گرفته‌اند و این در حالی است که ما هنوز هم استانداران و فرماندارانی داریم که با تفکر استبدادی بر علیه شوراها اقدام می‌کنند. ما باید پایبند و طرفدار قانون اساسی باشیم و قدرت را توزیع کنیم.

بر گردشگری قوم‌نگارانه و ارائه تجربیات زندگی محلی اصیل تمرکز کند که ارزشی پایدارتر دارد.

۲. **گردشگری سلامت:** ایران به دلیل ارائه خدمات پزشکی باکیفیت و شکاف قیمتی فاحش (هزینه جراحی بینی در ایران تا ۱۰ برابر ارزان‌تر از کشورهای غربی است)، یک مزیت رقابتی قیمتی قدرتمند دارد و می‌تواند با پیروی از استانداردها و برندسازی ترکیه، سهم بازار خود را افزایش دهد.

۳. **تنوع طبیعی (ژئوتوریسم):** ایران تنها کشوری در منطقه است که به طور همزمان چهار اقلیم (کوپر، کوهستان، جنگل، دریا) را در خود جای داده است. این تنوع اکولوژیک زمینه را برای توسعه توریسم ماجراجویانه، ورزش‌های زمستانی و اکوتوریسم فراهم می‌آورد. چالش‌های هزینه‌بر (اناتومی موانع)

این پتانسیل عظیم در سایه چالش‌هایی قرار دارد که هزینه‌های معاملاتی گردشگران و ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند:

۱. **تحریم‌ها و قطعی کانال‌های مالی:** عدم امکان استفاده از شبکه پرداخت جهانی (مانند ویزا و مسترکارت) جدی‌ترین مانع غیر تعرفه‌ای است. گردشگر مجبور به حمل پول نقد است که تجربه منفی و هزینه فرصت عظیمی را بر کشور تحمیل می‌کند.

۲. **شکاف زیرساختی و تکنولوژیکی:** میانگین سن ناوگان هوایی فرسوده (۲۴ سال در برابر ۷ سال امارات) ایمنی را کاهش و هزینه‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین، غیبت مؤثر ایران در پلتفرم‌های رزرو آنلاین جهانی (۷۰٪ بازار) به دلیل ضعف زیرساخت‌های دیجیتال و فیلترینگ، به معنای از دست دادن سهم بازار است.

۳. **تصویر ذهنی منفی:** ایران‌هراسی و پوشش رسانه‌ای منفی، بزرگترین مانع ذهنی است. ایران فاقد یک برند ملی قوی برای مقابله با این روایت است.

راهبردهای هوشمند برای برون‌رفت

برای تبدیل ایران از یک مقصد با پتانسیل به یک مقصد با عملکرد بالا، راهبردهای زیر پیشنهاد می‌شوند:

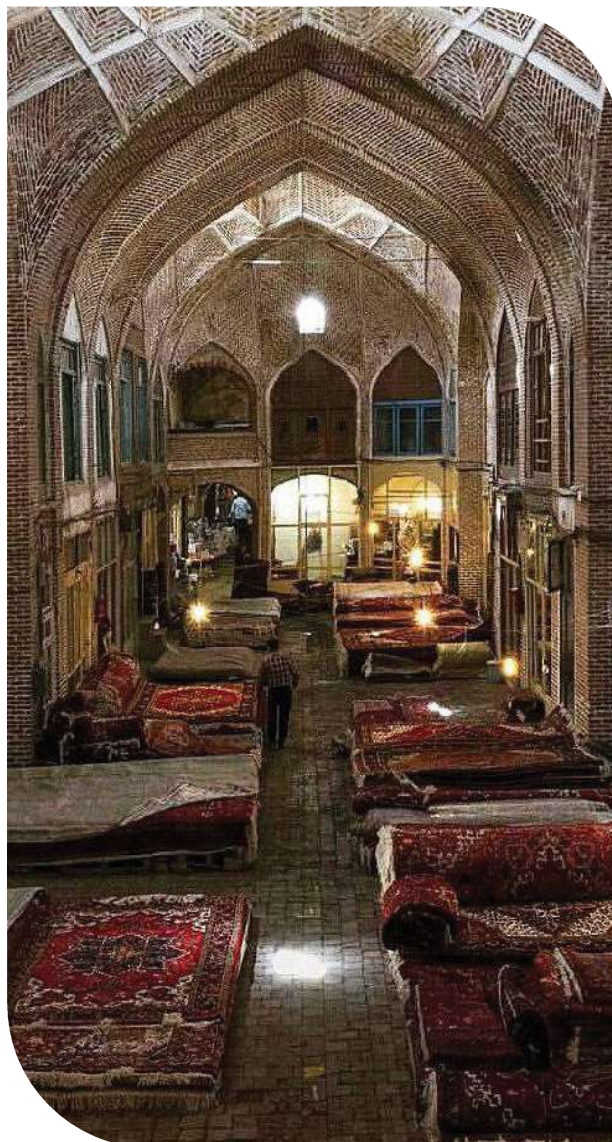
۱. **بازآفرینی مدل پرداخت:** معرفی کارت گردشگری هوشمند با قابلیت شارژ پیش‌پرداخت از طریق صرافی‌های ثالث برای دور زدن تحریم‌ها و بهبود تجربه مشتری.

۲. **دیپلماسی عمومی دیجیتال:** سرمایه‌گذاری در کمپین‌های روایت‌محور با استفاده از اینفلوئنسرهای سفر معتبر در پلتفرم‌هایی مانند یوتیوب و اینستاگرام برای تغییر تصویر ذهنی و روایت داستان واقعی مهمان‌نوازی ایرانی.

۳. **توسعه زیرساخت‌های هوشمند و پایدار:** نوسازی فرودگاه‌ها با تکنولوژی‌های هوشمند و تشویق به ساخت هتل‌های سبز و اقامتگاه‌های بوم‌گردی لوکس با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر.

۴. **همکاری‌های منطقه‌ای:** طراحی تورهای مشترک فرامرزی با کشورهایی مانند ترکیه و ارمنستان (مانند مسیر جاده ابریشم) و تسهیل ویزا برای بازارهای هدف بزرگ (چین و هند) برای افزایش قابلیت دسترسی و تقاضا.

اجرای این مدل‌های نوین، کلید خروج اقتصاد گردشگری ایران از سایه رکود و تبدیل آن به یکی از موتورهای اصلی توسعه اقتصادی پایدار تا سال ۲۰۳۰ است.



پارادوکس گردشگری در ایران: گنجینه‌ای که در محاصره موانع است



نساء السادات میراحمدی
کارشناس ارشد اقتصاد

"پارادوکس گردشگری در ایران" به تحلیل تناقض موجود در این صنعت می‌پردازد: ایران دارای مزیت‌های رقابتی کم‌نظیری برای تبدیل شدن به یک قطب جهانی است، اما موانع ساختاری و فشارهای ژئوپلیتیک مانع از تحقق پتانسیل‌های رشد آن شده‌اند. این نوشته با الهام از تجربیات موفق منطقه‌ای، راهبردهایی هوشمندانه برای دستیابی به درآمدهای ارزی میلیاردی در افق ۲۰۳۰ ارائه می‌دهد.

سرمایه‌های پنهان (مزیت‌های رقابتی)

ایران نه تنها دارای مزیت نسبی بلکه در حوزه‌هایی از مزیت رقابتی قاطع برخوردار است:

۱. **میراث فرهنگی و تاریخی:** با ۲۷ اثر ثبت‌شده در یونسکو، ایران دارای دارایی‌های نامشهود فرهنگی با ارزش انباشته جهانی است. برخلاف تمرکز رقبای خلیج فارس بر تجربیات مصنوعی، ایران می‌تواند



مهندس مهتاب هاشمی آقاجری
پژوهشگر دکترای تخصصی (PhD) دانشکده مهندسی
معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

از تصور تا واقعیت "در جستجوی نواحی روحی در قلب رم"

همایش بین‌المللی میراث معماری در خطر
در تبریز برگزار می‌شود.

۲۹ مهر ماه ۱۴۰۴ - تبریز - ایران

دکتر حمزه پیربایانی دبیر اجرایی
همایش میراث معماری در خطر:

همبسته با هم برای حفاظت از میراث معماری در معرض خطر



دکتر شهرام کاشانی اصل

رئیس سازمان استاندارد آذربایجان شرقی

صدور شناسنامه ملکی ساختمان ضروری است



دکتر حامد حق کیش

دکترای تخصصی مهندسی عمران، گرایش مهندسی و
مدیریت ساخت

رویداشتی به دغدغه‌های مدیریتی ضوابط ساخت و ساز در پهنه‌های گسلی با محوریت بافت حاشیه‌ای کلان‌شهرها



دکتر بهرام فره‌خت

رئیس گروه تخصصی برق و عضو هیات مدیره سازمان
نظام مهندسی ساختمان استان آذربایجان شرقی

قانون الزام نصب پنل خورشیدی در ساختمان‌ها



نوید پور رضای

مدیر عامل شرکت آسانسور و پله برقی آذربرج

مسأله آسانسور بیش از یک امر اقتصادی، دغدغه‌ای مربوط به ایمنی عمومی است

صدور شناسنامه ملکی ساختمان ضروری است



شهرام کاشانی
رئیس سازمان استاندارد آذربایجان

آقای دکتر ضمن تشکر از این که دعوت ویژه‌نامه سکونت هفته‌نامه صریح برای مصاحبه را پذیرفتید، لطف کنید و برای مخاطبان ما در مورد میزان و نوع نظارت‌های اداره استاندارد در حوزه صنعت ساختمان بفرمایید.

در حوزه ساختمان نظارت‌های اداره استاندارد معمولاً بر کیفیت مصالح ساختمانی متمرکز است و برخورداری از برخی از این استانداردها برای واحدهای تولیدی اجباری است. تلاش ما بر این است که تا جایی که ممکن است کیفیت مصالح ساختمانی را در مبدا تولید، برای واحدهایی که استاندارد ایران را اخذ نموده‌اند، به صورت ادواری کنترل و ارزیابی و در نهایت محصول نهایی را استانداردسازی و تضمین کیفیت کنیم. برای واحدهایی هم که استانداردهای لازم را اخذ ننموده باشند، به واحد مراجعه نموده و با اخطارها و تذکرات لازم، واحد تولیدی را به اخذ استانداردهای ملی در مهلت مناسب دعوت می‌کنیم. در صورتی که این واحدها در نتیجه تذکرات دریافتی اقدام به تضمین کیفیت و اخذ استانداردهای لازم نمایند با برخورد اداری رو به رو شده و به کمیسیون ماده ۴۲ معرفی می‌شوند و در صورت مجرمانه بودن امر، با معرفی سازمان استاندارد و اقدام قضایی نیروی انتظامی نسبت به صدور و اجرای رای مدنی و کیفری توسط قوه قضائیه اقدام می‌گردد.

به طور کلی این نظارت طی چه مراحل اجرایی می‌شود؟

از تولید و انبارداری تا عرضه و فروش در واحدهای تولیدی را شامل می‌شود. یعنی ما از ابتدای تولید مصالح تا رسیدن آن به دست سازندگان در کنار تولیدکنندگان می‌مانیم تا از کیفیت مصالح رسیده به دست مصرف‌کننده اطمینان حاصل کنیم؛ اما مراحل پس از آن تحت اشراف ما نیست و نیاز به کمک دیگر سازمان‌ها و ارگان‌ها دارد.

جناب دکتر کاشانی مشکلاتی که در استانداردسازی مصالح ساختمانی وجود دارد چیست؟

برخی از مصالح ساختمانی همچون بلوک را به سختی می‌توان نظارت کرد؛ به ویژه که برخی از سازندگان خرد اقدام به تولید اقلامی مثل بلوک‌های سیمانی در محل‌های گوناگون و حتی محل ساخت ساختمان کرده و از هرگونه استانداردسازی و نظارت بر کیفیت به دور می‌مانند. در چنین مواردی است که نقش سازمان نظام مهندسی ساختمان در نظارت بر ساخت برجسته‌تر از همیشه احساس می‌شود.

در مواردی هم دیده می‌شود که مصالح ساختمانی به رغم دارا بودن کیفیت و استانداردهای لازم در مبدا واحد تولیدی، به هنگام نگهداری در انبار تا زمان مصرف دچار کاهش کیفیت می‌شوند و یا این که استانداردها و روش‌های صحیح استفاده از مصالح ساختمانی به هنگام ساخت رعایت نشده و موجب کاهش نهایی کیفیت مصالح ساختمانی می‌شوند. در تمامی این موارد نیز این سازمان نظام مهندسی ساختمان است که می‌تواند از طریق مهندسین ناظر، جلوی افت کیفیت ساخت را بگیرد و به کمک مصرف‌کنندگان بیاید.

جناب دکتر به اشکالاتی که بیشتر در ساخت واحدهای کم تیراژ به وجود می‌آید اشاره کردید. مشکلات استانداردسازی در میان افراد حقیقی و حقوقی انبوه‌ساز به چه شکل است؟

در این موارد به مراتب با اشکالات کمتری رو به رو هستیم؛ شرکت‌ها و افراد انبوه‌ساز معمولاً به جهت تجربه و عملکرد حرفه‌ای‌شان، بر تهیه مصالح استاندارد اصرار دارند و همچنین شرایط انبارداری و استفاده از مصالح را رعایت می‌کنند. بجز این موارد، مساله حفظ شان و اعتبار برای این واحدهای تولیدی نیز مهم است و معمولاً تلاش دارند با بالا نگه داشتن کیفیت‌شان بر اعتبار برند و تولیدات‌شان اضافه کنند. از همین منظر در اینگونه موارد با اشکالات کمتری مواجه هستیم.

نظارت‌های سازمان استاندارد در حوزه ایمنی چگونه است؟

سازمان در حوزه ایمنی ساختمان نیز در مبدا نظارت و کیفیت تولید تولیدکنندگان را تحت سنجش قرار می‌دهد؛ البته شایسته توجه است که در این مورد خاص، استان آذربایجان شرقی قطب تولیدی لوازم و تجهیزات ایمنی ساختمان است و از آنجا که اغلب تولیدکنندگان این نوع تجهیزات در استان‌مان مستقر هستند وظیفه سازمان استاندارد هم در این زمینه خطیر است. به ویژه در مورد ددکتورها که سهم عمده تولیدشان در استان ماست، تولیدات معمولاً تحت نظارت سازمان هستند.

در حوزه استانداردهای حاکم بر تولید آسانسور وضعیت چگونه است؟

در این حوزه مشکلات بسیار جدی‌ای وجود دارد. سازمان استاندارد تنها می‌تواند بر استاندارد مواد اولیه و نحوه و روش تولید آسانسور نظارت داشته باشد و کیفیت محصول را قبل از رسیدن به دست مصرف‌کننده و قبل از نصب بسنجد. این در حالی است که کیفیت آسانسورها به عنوان یک کالای مصرفی با دوام باید هم در زمان نصب و هم به صورت ادواری و به هنگام استفاده، به طور مستمر، تحت نظارت باقی بماند تا از بروز حوادث جلوگیری شود. انجام این کار هم، نه در توان سازمان استاندارد است و نه اساساً در وظایف این سازمان تعریف شده است. این در حالی است که به هنگام وقوع حوادث، نوک پیکان انتقادات به سمت سازمان استاندارد نشانه می‌رود.

در این زمینه باز هم نیاز به نظارت‌های هرچه بیشتر سازمان نظام مهندسی ساختمان و تشکلهای صنفی احساس می‌شود و امیدواریم که با انجام این اقدامات تعداد حوادث نیز کاهش پیدا کند. البته مشکلات در این زمینه بسیار زیاد است. طبق اعلام اتحادیه این صنف در جلسه‌ای که داشتیم، تعداد نصابان و سرویس‌کاران غیرمجاز در این حیطه به ۹ هزار مورد رسیده است. همین آمار نشان دهنده عمق فاجعه در حوزه نصب و نگهداری آسانسور است. ما نیز در این زمینه به ویژه چندین بار در شورای فنی استان تذکر داده‌ایم که لازم است این شرکت‌ها ساماندهی شوند و همه ارگان‌ها، سازمان‌ها و اتحادیه‌های صنفی مرتبط، پای کار بیایند.

جناب دکتر در نهایت راهکار مشکلات استانداردسازی در حوزه ساختمان را در انجام چه اقداماتی می‌بینید؟

متأسفانه عدم آگاهی مردم در این موارد مشکل ایجاد کرده است. وقتی فردی قصد خرید ساختمان و یا خانه‌ای را دارد، نه امکان آن را دارد که از کاربرد مصالح ساختمانی استاندارد و به کارگیری روش‌های درست ساخت اطمینان حاصل کند و نه شرایط و آگاهی چنین امری به مردم داده شده است. ارزش ساختمان را معمولاً محل قرارگیری آن تعیین می‌کند و نه کیفیت و رعایت استانداردهای ساخت در آن و عملاً امکان ارزیابی چنین مواردی نیز برای مردم فراهم نیست.

در چنین شرایطی صدور شناسنامه ملکی ساختمان که اطلاعات مصالح و روش‌های ساخت در آن به تایید سازمان نظام مهندسی ساختمان می‌رسد، در دستور کار قرار دارد و از سوی دیگر آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی در این زمینه نیز به عنوان راهکارهای نهایی بسیار موثر خواهد بود.

از تصور تا واقعیت "در جستجوی نماهای رومی در قلب رم"



مهندس مهتاب هاشمی آقاجری
پژوهشگر دکتراي تخصصی (PhD) دانشکده
مهندسی معماری و شهرسازی دانشگاه هنر

طراحی شده بودند. این داده‌ها توجه مرا به چند نکته کلیدی معطوف کرد: اول اینکه در ایتالیا، میراث معماری رومی در قالب آثار تاریخی حفظ شده و در معماری معاصر به صورت تقلیدی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. دوم اینکه استفاده از نماهای سنگین و سنگی در معماری معاصر با توجه به تکنولوژی‌های نوین و معیارهای ایمنی و سازه‌ای محدود شده است. و نهایتاً اینکه این الگو با واقعیت بازار و شرایط فنی و اقلیمی کشور سازگار است.

در مقابل، در ایران ما شاهد رشد سریع نماهای سنگی با جزئیات کلاسیک رومی هستیم؛ نماهایی که نه تنها با معماری ایرانی اسلامی هیچ قرابتی ندارند، بلکه از نظر فنی و ایمنی نیز می‌توانند مخاطرات جدی ایجاد کنند، به‌خصوص در کشوری زلزله‌خیز مانند ایران، وزن بالای این نماها، پیچیدگی اجرای آنها و احتمال عدم رعایت استانداردهای سازه‌ای و ایمنی، ریسک سقوط و خرابی را افزایش می‌دهد و می‌تواند جان ساکنان و عابران را تهدید کند.

بررسی دقیق این تفاوت‌ها می‌تواند به ما کمک کند تا در ایران، ضمن حفظ احترام به میراث معماری، به سمت طراحی نماهای سازگارتر با اقلیم، فرهنگ و شرایط فنی پیش برویم. نماهای آجری یا سیمانی با طراحی‌های نوین و سبک می‌توانند علاوه بر حفظ زیبایی بصری، مخاطرات ایمنی را کاهش دهند و به پایداری بیشتر ساختمان‌ها در برابر زلزله کمک کنند.

نتیجه‌گیری این پژوهش می‌تواند به طراحان، مهندسان و سیاست‌گذاران حوزه معماری و ساخت‌وساز در ایران کمک کند تا با تأمل و بازنگری در روند ترویج نماهای سنگی، راهکارهای بهتری برای توسعه شهرسازی پایدار و ایمن پیدا کنند. ترویج معماری اصیل، مدرن و ایمن می‌تواند هم به هویت شهری احترام بگذارد و هم ایمنی و رفاه ساکنان را تضمین کند.



طی شش ماه اقامت و سفر مطالعاتی‌ام در کشور ایتالیا، فرصتی بی‌نظیر برای مشاهده و بررسی میدانی نماهای ساختمان‌های مسکونی و شهری فراهم شد. این سفر که ابتدا با اجاره خانه‌ای در محله بورگه‌زیانا (Borghesiana) رم آغاز شد، موضوعی ساده اما بسیار تأمل‌برانگیز را در ذهنم برانگیخت؛ موضوع نماهای ساختمان‌ها و تفاوت آشکار آنها با نماهای رایج در ایران.

در محله‌ای که سکونت داشتم، تمامی ساختمان‌ها دارای نمای آجری یا سیمانی بودند و خبری از نماهای سنگی و پر زرق و برق که در ایران به «نمای رومی» معروف است، نبود. این تضاد با آنچه در کشور خودم دیده بودم، توجه‌ام را جلب کرد؛ چرا در قلب کشوری که مهد معماری رومی و سنگی است، نماهای مسکونی معاصر چنین ساده و به ظاهر «کم‌تکلف» هستند؟ آیا این موضوع فقط محدود به آن محله بود یا قاعده‌ای کلی در شهر رم حاکم است؟

برای پاسخ به این پرسش، برنامه‌ریزی کردم تا بازدیدهای میدانی متعددی از محلات مختلف رم داشته باشم. محلاتی چون Gardenie, Torre Maura, Torre Spaccata و دیگر مناطق مسکونی، همگی نشان‌دهنده روند مشابهی بودند؛ نماهای مسکونی معاصر عمدتاً با مصالح آجری یا سیمانی اجرا شده بودند و خبری از نماهای سنگی و سنگین نبود. این در حالی است که نماهای سنگی و رومی در رم فقط در بافت تاریخی و در بناهای شاخصی چون کولوسئوم، ویکتور امانوئل، واتیکان، فواره تروی و سایر آثار تاریخی دیده می‌شد.

این مشاهدات باعث شد دیدگاهم نسبت به مسئله نماهای رومی و سنگی در ایران بازنگری شود. در حالی که نماهای سنگی در ایران با سرعت زیادی در حال رواج هستند و به نوعی به نماد مدرن بودن و لوکس بودن بدل شده‌اند، در ایتالیا چنین روندی دیده نمی‌شود و استفاده از نماهای سنگی به حوزه میراث تاریخی محدود شده است.

برای تعمیق یافته‌هایم، بازدیدهایی نیز از دیگر شهرهای ایتالیا انجام دادم. شهرهایی نظیر ونیز، سالرنو، آملفی، ناپل و پیزا، در نماهای ساختمان‌های مسکونی معاصر، روند مشابه رم را نشان دادند؛ یعنی استفاده از نماهای سنگی سنگین و پر جزئیات که در ایران رایج است، مشاهده نشد. تنها در بناهای تاریخی و معدودی از ساختمان‌های شاخص شهری، نماهای سنگی رومی و کلاسیک دیده می‌شد.

یکی از استثنائات جالب در این مطالعه، شهر میلان بود که به عنوان مرکز اقتصادی و تجاری ایتالیا شناخته می‌شود. در میلان، نماهای معاصر ساختمان‌ها غالباً مدرن و تکنولوژیک بودند، اما این نماها نیز سنگین و کلاسیک نبودند و با فناوری‌های نوین و مصالح سبک‌تر

هیات ژوری متشکل از هفت نفر است که داورانی از کازان، ارمنستان و ترکیه در میان آنها هستند.

جناب دکتر در نهایت دستاوردهای این مراسم چگونه بازتاب خواهند یافت؟

مقالاتی که به همایش ارسال شوند و دارای سطح مناسبی باشند برای چاپ در نشریات معتبر علمی بین المللی معرفی خواهند شد و آثاری هم که به عنوان طرح‌هایی برای احیا و مرمت بناهای شاخص جهان اسلام طراحی شده و دارای معیارهای بین المللی حفاظت آثار تاریخی باشند، پس از سه روز نمایش در همایش، از طرف هیات ژوری داوری شده و در صورت انتخاب، آثار اول تا سوم مورد تقدیر قرار خواهند گرفت.

تأثیر چنین همایش‌هایی را در آینده فضای معماری شهر و دانشگاه چطور ارزیابی می‌کنید؟

اثرگذاری چنین همایش‌هایی بیش از فعالین عرصه معماری بر دانشجویان و دانشگاهیانی است که آینده عرصه معماری با آن‌ها شکل خواهد گرفت. به ویژه که نسل آینده در چنین فرصت‌هایی می‌توانند آشنایی‌شان با علم روز را گسترش دهند و بعلاوه ارتباطات‌شان را با دیگر فعالان علمی و اجرایی این عرصه برقرار کرده و تثبیت کنند.

در این میان این ارتقای سطح دانش و ارتباطات در نسل نو است که می‌تواند زمینه را برای احیای آثار تاریخی کشورمان فراهم کند. ما در حال از دست دادن میراث فرهنگی و تاریخی‌مان هستیم. یک نگاهی به پل‌های تاریخی خدافین بیاندازید. این‌ها بناهایی هستند که هویت ایران و آذربایجان هستند و ما با این روند آن‌ها را از دست خواهیم داد. با تمام این احوال امیدواریم که با هم دست در دست بدهیم و بناهای تاریخی‌مان را حفظ کنیم و تحویل نسل‌های آینده دهیم.

آقای دکتر فکر می‌کنید با توجه به تلاش‌هایی که در دانشگاه هنر اسلامی تبریز صورت گرفته و می‌تواند نسلی تربیت شود که چه از نظر علمی و فنی و چه از نظر اخلاقی و میهن‌دوستی آمادگی احیای آثار تاریخی کشور و منطقه را داشته باشد، افق همکاری این نسل از فارغ التحصیلان با دولت در بازسازی، مرمت و حفظ آثار تاریخی را چطور می‌بینید؟

نسل حاضر را بسیار فعال و پرتلاش می‌بینم اما در این زمینه لازم است توجه شما را به این مساله جلب کنم که ما در زمینه فن‌آوری‌های مرتبط با حفاظت بناهای تاریخی ضعف بسیاری داریم. به خصوص بخش دولتی در این زمینه بسیار ضعیف بوده است با این که دانشگاه در این مورد همواره قصد کمک داشته است و تلاش زیادی کرده است که فناوری روز را وارد کرده و به کار گیرد، نبود بودجه و فرصت کافی در بخش دولتی مانع بزرگی بر سر راه به کارگیری این فرصت بالقوه بوده است.

همراهی بخش خصوصی در این زمینه را چطور ارزیابی می‌کنید؟ همیشه در همه جای دنیا همکاری با بخش خصوصی نتیجه‌بخش بوده است. در کشور ما هم همینطور. بخش خصوصی است که در همه جای دنیا بناهای تاریخی را حفظ کرده و مطابق با منافع خودش دست به کار مرمت و حفظ آثار تاریخی می‌شود و برداشت مالی خاص خود را نیز از آن‌ها انجام می‌دهد و در این بین آثار تاریخی جان تازه‌ای می‌گیرند.

جایزه غزه و همایش میراث معماری در خطر در تبریز



دکتر آخوندی
رئیس کمیته برگزاری همایش میراث در خطر

جناب دکتر آخوندی ضمن تشکر از لطفی که کردید و دعوت ویژه‌نامه سکونت هفته‌نامه صریح را برای مصاحبه پذیرفتید بفرمایید که فکر برگزاری همایش بین‌المللی میراث معماری در خطر از کجا و چطور شکل گرفت؟

چندی پیش در معیت تعدادی از دوستان و اساتید به دعوت سازمان همکاری اسلامی به اکسپوی شهر کازان دعوت شد بودیم. از آنجا که مقر معماری سازمان همکاری اسلامی در استانبول مستقر است عازم استانبول شدیم. همانطور که می‌دانید در زمینه هنر اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز همواره نقشی برجسته در برگزاری ایرسیکا ایفا کرده است. اما در زمینه معماری همکاری چندانی بین ما و سازمان همکاری اسلامی انجام نشده بود. از همین منظر با ارتباطاتی که با رئیس بخش معماری داشتیم و با توجه به این که سازمان قصد داشت جایزه غزه را برگزار و اهدا کند، پیشنهاد کردیم که میزبانی این رقابت و اهدای این جایزه با دانشگاه هنر اسلامی تبریز و مجتمع علمی، فرهنگی و تاریخی ربع رشیدی باشد.

جناب دکتر انتخاب دو مرکز علمی به عنوان برگزار کننده همایش چگونه انجام شد؟

دانشگاه هنر اسلامی تبریز به عنوان دانشگاهی نوپا اما پیشرو میراثدار چندین دوره موفق برگزاری ایرسیکا بوده است. از همین جهت طبیعتاً این کشش وجود داشت که در حوزه معماری اسلامی نیز همکاری‌هایی اساسی در دانشگاه با سازمان همکاری اسلامی شکل بگیرد. اما در مورد ربع رشیدی نیز ویژگی‌های آن را به عنوان دانشگاهی به قدمت ۸۰۰ سال که توانسته بود جایگاهی بسیار متفاوت را برای خود فراهم کند، معرفی کردیم. دانشگاهی که اگر بخواهیم با معیارهای دانشگاهی امروز این دانشگاه را بسنجیم می‌توانیم آن را به عنوان دانشگاهی نسل چهارمی شتاسایی کنیم. موسسه‌ای علمی که میزبان دانشجویانی از سراسر جهان از مصر گرفته تا چین بوده است. همین توصیفات مسئولان برگزاری جایزه غزه را مجاب کرد که پیشنهاد کنند جایزه به تبریز و ایران بیاید.

آقای دکتر در این همایش جوایز ملی و بین‌المللی در کنار هم تعریف شده است؟

بجز جایزه غزه که به همراه نمایشگاهی که با آثاری از غزه و در ارتباط با آن در همایش داوری و اهدا خواهد شد، در کنار برگزاری همایش علمی، برای میراث معماری در خطر کشورمان و به طور کلی میراث معماری در خطر جهان اسلام نیز، جایزه خلاقیت و نوآوری در حفاظت و احیای میراث معماری در خطر جهان اسلام را طراحی کردیم. در مورد هیات داوران هم بفرمایید.

دکتر حمزه پیربابایی دبیر اجرایی همایش میراث معماری در خطر:

همبسته با هم برای حفاظت از میراث معماری در خطر



بسیاری از بناها و بافت‌های تاریخی در کشورهای اسلامی در طول سالیان اخیر در معرض تهدید جدی قرار گرفته‌اند. از جنگ و درگیری‌های نظامی گرفته تا سیل و زلزله و در کنار آن بی‌توجهی‌ها، غفلت‌ها و برخی تصمیمات نادرست مدیریتی موجب شده است که میراث با ارزش ما

در خطر نابودی قرار بگیرد و به دست فراموشی سپرده شود. همایش میراث معماری در معرض خطر با همین دغدغه شکل گرفته است. این که چه می‌توان کرد که این میراث تنها در کتاب‌ها و خاطره‌ها باقی نماند؛ چه راه‌حلهایی وجود دارد و چه تجربیاتی را می‌شود که به اشتراک گذارد تا در نهایت بتوان بین دانشگاه، نهادهای اجرایی، سازمان‌های بین‌المللی و حتی خود مردم، همکاری موثر و سازنده‌ای ایجاد کرد.

در این همایش خواهیم کوشید تا با دعوت از پژوهشگران، متخصصین و داوران داخلی و خارجی، فضایی علمی و چند رشته‌ای فراهم کنیم تا صداهای مختلف شنیده شده و تجربیات گوناگون به اشتراک گذاشته شوند. همچنین به برنامه‌هایی مثل برگزاری سخنرانی‌های کلیدی، ارائه مقالات، نشست‌های تخصصی و همچنین برگزاری مسابقه بین‌المللی میراث ماندگار خواهیم پرداخت تا همایش از حالت صرفاً نظری خارج شده و به بستری واقعی برای گفت و گو در مورد همکاری‌های واقعی آتی مبدل شود. نتایج و مقالات منتخب این همایش نیز در نشریات باغ نظر و اثر به چاپ خواهد رسید و سایر مقالات هم در نشریه همایش منتشر خواهد شد.

امید است که برگزاری این همایش علمی آغازگر فصل تازه‌ای از همکاری‌ها در زمینه حفاظت، احیا و بهره‌برداری از میراث معماری،

پس در واقع طراحی طرح اقتصادی برای بناهای تاریخی است که حیات آن‌ها را تضمین می‌کند؟

وقتی بخش خصوصی منافع اقتصادی متناسب خود را برداشت کند طبیعی است که دست به کار مرمت و حفظ آثار تاریخی می‌شود. ببینید کاخ ورسای یا برج ایفل در فرانسه چقدر درآمد سالیانه از بازدیدکنندگان دارد؟ بدیهی است که با چنین درآمدی می‌توان ۲۰ تا ۳۰ درصد درآمد سالیانه را برای حفاظت از خود بنا صرف کرد. اساساً ۸ تا ۱۰ درصد جی دی پی کشورهای اروپایی مربوط به بناهای تاریخی است. این در حالی است که ما معمولاً عادت نداریم و نمی‌تونیم چنین نگاهی را به آثار تاریخی کشورمان داشته باشیم.

آقای دکتر نقش دانشگاه هنر اسلامی تبریز را در این عرصه چطور تعریف می‌کنید؟

خوشبختانه در دانشگاه ما بیشتر فناوری روز وجود دارد و ما می‌توانیم در این مورد همپایه اروپا کار کنیم و خدمات ارائه کنیم چنان که ما طی چند پروژه بین‌المللی و با گسترش ارتباطات دانشگاهی سطح کار را بالا برده‌ایم. اما تنها با فعالیت‌های دانشگاهی نمی‌توان به نتایج ملموسی رسید. لازم است که بخش دولتی در اداره کل میراث فرهنگی و وزارت هم با این فناوری‌ها آشنا شوند و در به کار گیری آن‌ها مشارکت فعال داشته باشند.

چند سال پیش برای انجام پروژه‌ای در یونان حاضر بودیم. برای حفاظت از یک بنای تاریخی ۲٫۵ میلیون دلار هزینه شده بود یعنی معادل با ۲۵۰ میلیارد تومان. حالا شما ببینید بودجه سالانه اداره کل میراث فرهنگی آذربایجان شرقی چقدر است. بعید است که به این مبلغ برسد. ما در این شرایط چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم. توجه داشته باشید که در خود دانشگاه هنر اسلامی تبریز ده برابر آن بنایی که در یونان مشاهده کردیم بنای تاریخی وجود دارد و ما در کشورمان چقدر در این موارد غنی هستیم.

تنها راهکار همین است که بخش خصوصی وارد شود و بناها را حفاظت کند. همان اتفاقی که در کاروانسرای پیام افتاده است. اگر بخش خصوصی از مکان تاریخی برداشت مالی داشته باشد خواهد توانست برای احیا و مرمت آن نیز سرمایه‌گذاری کند. به این گونه است که بناهای تاریخی خواهند توانست برای دولت سربرار نباشند.

رقابتی برای حفظ و احیای هویت تاریخی ملت‌ها



دکتر پیربابایی

دبیر اجرایی مسابقه بین‌المللی میراث ماندگار

خطر، در شهر تبریز با محوریت خلاقیت و نوآوری در احیای بناهای تاریخی در معرض خطر جهان اسلام، و با همکاری نهادهای معتبر ملی و بین‌المللی، از جمله مرکز تحقیقات تاریخ، فرهنگ و هنر اسلامی (IRCICA) برگزار می‌شود. هدف از برگزاری این مسابقه، شناسایی و حمایت از ایده‌های خلاقانه و نوآورانه در حوزه مرمت، حفاظت و بازآفرینی آثار ارزشمندی است که به دلایلی چون جنگ، بلایای طبیعی یا سوء مدیریت، در معرض نابودی یا آسیب قرار گرفته‌اند.

این مسابقه در دو بخش آزاد و ویژه برنامه‌ریزی شده، که بخش ویژه به ایده‌پردازی و بازآفرینی شهر مقاوم غزه اختصاص دارد؛ با توجه به اهمیت این رویداد، برای این بخش جوایزی ارزنده نیز در نظر گرفته شده است که مشتمل بر ۱۵۰ میلیون تومان شده و در بخش آزاد نیز ۵۰۰ میلیون تومان به برگزیدگان مسابقه تعلق خواهد گرفت. از تمامی دانشجویان، فارغ‌التحصیلان، متخصصین و افراد علاقه‌مند و دغدغه‌مند در حوزه معماری و شهرسازی دعوت می‌شود که با شرکت در این رقابت، با ایده‌ها و طرح‌های خود در حفظ هویت و تاریخ ملت‌ها سهیم باشند.

هر آجر از یک بنای تاریخی، زمزمه‌ای از قرن‌ها داستان، خاطره و هویت جمعی را در دل خود نهان داشته است. وقتی بنایی فرسوده می‌شود، این تنها دیوارها نیستند که فرو می‌ریزند؛ بلکه بخشی از حافظه جمعی یک ملت است که خاموش می‌شود. امروز در کنار هم ایستاده‌ایم تا این حافظه را زنده نگه داریم و جان تازه‌ای در کالبد تاریخ جاری کنیم.

مسابقه بین‌المللی میراث ماندگار، هم‌زمان با همایش میراث معماری در معرض

آبادانی یا تهدید، انتخاب اندیشه انسانی در کشاکش میراث معماری در خطر



دکتر مهدی کاظم پور

باستان‌شناس و دبیر علمی همایش میراث معماری در معرض خطر

سخن راندن از ضرورت برگزاری همایش میراث معماری در معرض خطر بدون توجه به منشا خطرات به وجود آمده ممکن نیست. در کنار عوامل طبیعی، بزرگ‌ترین آغازگاه خطر، اندیشه‌های انسانی هستند. اندیشه‌هایی که ساخته‌اند، عمارت کرده‌اند و آبادانی کرده‌اند، و در برابر این افکار، اندیشه‌هایی که ویران کرده‌اند و از بین برده‌اند.

در طول هزاران سال، هیچ کشوری به اندازه کشورهای خاورمیانه، آثار و هویت تاریخی‌شان را در معرض خطر ندیده‌اند؛ این مناطق گذرگاه اندیشه‌ها و مامن حکومت‌هایی بوده‌اند که با اندیشه‌های خود ساخته‌اند و آباد کرده‌اند و پس از مدتی دولت‌ها و حکومت‌های جدید با اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایی دیگر، آن دستاوردها را نابود کرده و از بین برده‌اند.

بناهای تاریخی بسیار معدودی توانسته‌اند از این تلاطم اندیشه‌ها جان سالم به در برند و برای مان به یادگار بمانند. به راستی چگونه می‌توان از این بناهای تاریخی محافظت و نگهداری کرد؟ همایش بین‌المللی میراث معماری در معرض خطر، برگزار می‌شود تا بتواند با گرد هم آوردن اندیشمندان، دانشمندان و اساتید متخصص در این زمینه، راهکارهایی مناسب برای این مساله پیشنهاد کند.

منتظر دیدار شما در این همایش هستیم.



حفاظت از بناهای تاریخی، حفاظت از فرهنگ، هنر و تمدن اسلامی است



دکتر بهرود اصغرزاده

دبیر فرهنگی همایش میراث معماری در معرض خطر

معماری و بناهای تاریخی به عنوان بازتابی از تمدن، هنر و ارزش‌های جوامع انسانی شناخته می‌شوند. تخریب این بناها چه در قالب بی‌توجهی و راهسازی و چه در اثر بلایای طبیعی و یا بروز جنگ‌های منطقه‌ای، تأثیرات بسیار عمیق فرهنگی را از خود برجای خواهد گذاشت.

تخریب یا حذف یک بنای تاریخی تنها از میان رفتن یک ساختمان نیست؛ بلکه محو شدن بخشی از فرهنگ، هنر و تمدن اسلامی است و گسست فرهنگی نسل‌های جدید از میراث فرهنگی گذشتگان، تضعیف هویت جمعی و حافظه تاریخی، از میان رفتن انسجام اجتماعی و ارتباط عاطفی مردم با محیط زندگی‌شان و در نهایت از دست رفتن فرصت معرفی فرهنگ، هنر و تمدن اسلامی به جهت کاهش فرصت‌های جذب گردشگری را در پی خواهد داشت.

اما رویکرد فرهنگی همایش میراث معماری در معرض خطر علاوه بر سخنرانی‌های کلیدی، ارائه مقالات علمی، نشست‌های تخصصی و برگزاری مسابقه بین‌المللی میراث ماندگار، ایجاد فضاهای گفت و گو برای تقویت تعامل غیر رسمی در میان شرکت‌کنندگان، بازدید از آثار فاخر معماری شهر تبریز به ویژه برای میهمانان خارجی، فضاسازی و برگزاری نمایشگاه‌ها، جذب همکاری نهادهای فرهنگی، هنرمندان، دانشجویان، دانشگاهیان و فرهیختگانی است که دغدغه حفاظت از این میراث گرانبهای تمدنی را دارند. حفاظت از بناهای تاریخی تنها وظیفه دولت‌ها نیست؛ این امر یک مسئولیت جمعی، حس عمومی و یک ضرورت فرهنگی برای نسل‌های آینده است و برگزاری همایش میراث معماری در معرض خطر و مسابقه میراث ماندگار، امیدی است بر سرآغازی نو در عزم و اراده بیشتر در حفظ و احیای این میراث ارزشمند تمدنی.

قانون الزام نصب پنل خورشیدی در ساختمان‌ها



دکتر بهرام فرهخت

رئیس گروه تخصصی برق و عضو هیات مدیره سازمان نظام مهندسی

بر اساس ماده ۶۲ قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی، شرکت‌های توزیع برق به نمایندگی از ساتپا (سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق) با مالکان ساختمان‌ها پس از احداث نیروگاه خورشیدی، قرارداد خرید تضمینی برق به مدت ۲۰ سال منعقد خواهند کرد.

بر اساس این دستورالعمل همه ساختمان‌های تجاری، اداری و مسکونی دارای ۴ طبقه و بیشتر، یا با مجموع زیربنای طبقات بیش از هزار متر مربع ملزم به نصب پنل‌های خورشیدی روی پشت‌بام یا محوطه پارکینگ خواهند بود، که این مصوبه برای ساختمان‌هایی که از سال ۱۴۰۴ به بعد، پروانه ساخت دریافت کنند، الزامی

می‌باشد.

نیروگاه‌های خورشیدی پشت‌بامی به شبکه برق سراسری وصل می‌شوند و حال مشترکین می‌توانند یا با سانورتر آنلاین، برق تولیدی خود را کاملاً به شبکه تحویل نمایند و برق مورد نیاز ساختمان خود را از شبکه برق دریافت نمایند و یا با سانورتر هیبریدی قسمتی از برق مورد نیاز خود را در زمان قطعی برق از پنل خورشیدی دریافت نموده و در زمان عدم نیاز آن را به شبکه سراسری پس دهند.

دلیل ابلاغ این دستورالعمل، جلوگیری از ناترازی برق می‌باشد. ناترازی به این معناست که مقدار انرژی مصرفی در کشور بالاتر از انرژی تولیدی است و بدین ترتیب مالکان می‌توانند مازاد برق تولیدی پنل‌های خورشیدی را به شبکه ملی برق بفروشند.

با تصویب قانون فوق‌الاشاره، شاهد اثرات مثبت بر بازار پنل‌های خورشیدی هستیم. ورود فناوری‌های جدید در نوع پنل‌ها، نوع باتری‌ها و نوع سانورترها و حتی ایجاد و تاسیس کارخانه‌های تولیدی در داخل کشور، از دیگر دستاوردهای ابلاغیه مذکور می‌باشد. همچنین افزایش بازار کار و ایجاد مشاغل جدید از دیگر اثرات مثبت اجرایی شدن این قانون است.

با این وصف توسعه مهارت‌ها و آموزش‌های تخصصی در دستور کار نهادهای ذیربط همچون سازمان نظام مهندسی ساختمان استان‌ها و نیز آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای قرار خواهد گرفت که این امر نیز به نوبه خود آثار مثبتی به دنبال خواهد داشت.

رویداشتی به دغدغه های مدیریتی ضوابط ساخت و ساز در پهنه های گسلی با محوریت بافت حاشیه ای کلانشهرها



دکتر حامد حق کیش

دکترای تخصصی مهندسی عمران، گرایش مهندسی و مدیریت ساخت

جامعه بشری پیشگیری می نماید. در این وادی، دغدغه قابل درک مدیران ارشد دستگاه های اجرایی، تامین بودجه لازم برای تحقق این امر حائز اهمیت می باشد که با معطوف نمودن نظر ارکان تصمیم ساز به نتایج مثبت حاصل از آن، حکم محکمه منطق، اولویت سرمایه گذاری بر هزینه است. به بیان ساده تر، اگر پیش از وقوع

بحران، در ترغیب به موقع ذی اثران (به ویژه، ذی نفعان) به سرمایه گذاری جهت مقاوم سازی، موفق شویم، پس از وقوع بحران، دیگر نیازی به تامین فوری هزینه های چند برابری (حتی به قیمت تغییر ناگهانی ردیف بودجه سایر امور ضروری) نخواهد بود. در این مسیر، بهره مندی صنعت و دستگاه های اجرایی ذیربط از پتانسیل مجامع حرفه ای جامعه مهندسی کشور و ظرفیت های پژوهشی اساتید متخصص و مجرب دانشکده های فنی و دانشگاه های صنعتی، پژوهشگاه ها و مراکز آموزش عالی، در شناسایی سازه ها و شریان های حیاتی نیازمند مقاوم سازی و همچنین در برآورد و اولویت بندی تخصیص بودجه مورد نیاز به آنها، بسیار موثر و تسریع کننده بوده و فرصتی برای هدایت موثر و کارآمد پایان نامه ها و رساله های دانشجویان و پژوهشگران تحصیلات تکمیلی رشته های فنی و مهندسی خواهد بود.

پیرو مطالعات انجام یافته طی سنوات اخیر در استان آذربایجان شرقی، سازمان نظام مهندسی ساختمان، بنیاد مسکن و اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس، از پیشگامان ترویج مقاوم سازی قبل از وقوع بحران بوده اند که با اقداماتی نظیر برگزاری دوره های بازآموزی مهندسیین طراح، ناظر و مجری با استفاده از ظرفیت های علمی و عملی اساتید دانشگاه های استان، بررسی نقشه های همسان دارای جزئیات اجرایی و سعی در بهبود ایمن سازی بافت های شهری و روستایی نموده اند.

زلزله های اخیر ایران و مناطق هم جوار، هر کدام به مثابه چندمین زنگ خطر تلخی بود که بهای سنگین و غیرقابل جبران داغدار شدن وطن را در پی داشت، اما نتایج حاصل از بررسی های مستمر تخصصی فنی که توسط اساتید برجسته مهندسی و پژوهشگران مجرب به صورت رصد میدانی به عمل آمد، معرف عدم اجرای کامل و دقیق ضوابط مندرج

در مباحث مقررات ملی ساختمان ایران به عنوان عامل اصلی خرابی های سازه ای، معماری و شریانی بود که در فاز بازسازی مناطق زلزله زده و در مقیاسی فراتر، در کل ایران، تعمیم و تعمیق تدریجی ساخت و ساز استاندارد را با آهنگ و شتابی ملموس تر باعث شد.

در این بین، افزایش درجه حساسیت کنترل مضاعف توسط مراجع صدور پروانه و کنترل فنی گامی دیگر بود که می توانست با افزایش منطقی تعرفه خدمات مهندسی، تا حدود بسیار چشمگیری موثرتر واقع شود؛ لیکن آن چه بدیهی است ثمره آشکار عدم افزایش منطقی تعرفه خدمات مهندسی، کاهش عمر مفید ساختمان و افزایش ریسک آسیب پذیری لرزه ای خواهد بود.

ضرورت توجه ویژه و اجرایی نهادهای نظارتی، سازمان های مهندسی و تشکل های حرفه ای به پیاده سازی عملیاتی مبحث بیست و دوم مقررات ملی ساختمان گامی بسیار بایسته و شایسته در پیشگیری موثر و کارآمد از بروز خرابی های سازه ای ناشی از زلزله با تعمیرات و نگهداری های کارشناسی خواهد بود اگر توسط مهندسیین ذیصلاح و با تعرفه واقعی در فواصل زمانی مناسب انجام پذیرد.

اینک با تجربیات تلخ زلزله های اخیر کشور، آنچه که بیش از پیش آشکار است، نتایج موفق مقاوم سازی لرزه ای ساختمان ها و شریان های حیاتی قبل از وقوع زمین لرزه می باشد که با افزایش تاب آوری، فارغ از تبعات مثبت اقتصادی، از اندوه جانکاه فقدان هموطنان عزیز و داغدار شدن

هنر اندیشه کسب و کار

کلنجار ذهن با ناتمام ها



مجتبی جلیل اوغلی

دانشجوی دکتری (PHD) مدیریت منابع انسانی

با این بینش، آزمایش هایی طراحی کرد. برای نمونه، دو گروه را به تماشای فیلمی جذاب واداشت: گروه اول فیلم را تا پایان دیدند و گروه دوم تنها تا نیمه. بعد، گروه دوم جزئیات بیشتری را به یاد آوردند. نتیجه گیری او این بود: مغز انسان بیشتر با کارهای ناتمام و قطع شده درگیر می شود تا امور تمام شده و ما آن قدر به آن فکر می کنیم تا تکمیل شود؛ این نیاز ذاتی به «بستن حلقه» است. این پدیده، که به «اثر زیگاریک» معروف است، توضیح می دهد که چرا امروز و فردا کردن کارها، ذهن را مشغول نگه می دارد و انرژی روانی را هدر می دهد. هرچه این کلنجار طولانی تر شود، استرس افزایش یافته و بهره وری کاهش می یابد. بهترین راه حل: تکمیل کار توسط خودمان یا واگذاری به دیگری است. اگر کار کم اهمیت باشد، مکتوب کردن آن و اولویت دادن به امور مهم تر، ذهن را آرام می کند. متخصصان بازاریابی، رسانه و سخنرانی از این اثر بهره می جویند. تیتراهای جذاب اما ناقص، کارت های تخفیف برای خرید بعدی، یا موکول کردن بحثی هیجان انگیز به جلسه بعد، ذهن مخاطب را درگیر کرده و او را به سوی هدف می کشانند. درک اثر زیگاریک، کلیدی برای مدیریت ذهن و افزایش کارایی است.

آیا تا به حال تجربه کرده اید که با باز کردن یک شکلات تخته ای، به خود بگویید فقط یک تکه می خورم، اما ناگهان کل آن را تمام کنید؟ یا با شروع خواندن یک فصل از کتابی جذاب، ناگاه متوجه شوید ساعت سه نیمه شب است و کتاب به پایان رسیده؟ یا پس از پایان یک مهمانی، به فکر حرفی ناتمام بمانید که کسی می خواست بگوید، اما قطع شد؟ این ها نمونه هایی از تمایل ذهن انسان به تکمیل امور ناتمام است. بلوما زیگاریک، روانشناس برجسته روسی (۱۹۰۱-۱۹۸۸)، این پدیده را کشف کرد. او در رستورانی مشاهده کرد که پیشخدمت ها جزئیات سفارش مشتریان را بدون یادداشت برداری، تا پیش از تسویه حساب به خاطر می سپارند، اما پس از آن، حتی چهره مشتری را فراموش می کنند. زیگاریک

نوید پور رضای
مدیر عامل شرکت آسانسور و پله برقی آذربرج
در گفتگو با صریح :

مسئله آسانسور بیش از یک امر اقتصادی، دغدغه ای مربوط به ایمنی عمومی است



جناب مهندس ضمن معرفی خودتان بفرمایید دلیل این که صنعت آسانسور امروزه به این حد از اهمیت رسیده است چیست؟

نوید پور رضای، عضو کوچکی از شرکت آسانسور و پله برقی آذربرج هستیم. شرکت ما از سال ۱۳۹۴ فعالیت رسمی خود را آغاز کرده و همواره تلاش داشته‌ایم در مسیر ارائه خدمات ایمن و استاندارد به مشتریان خود گام برداریم.

اما در مورد سوال تان باید بگویم که آسانسور امروزه دیگر یک وسیله لوکس در ساختمان‌ها محسوب نمی‌شود، بلکه جزئی جدا نشدنی از زندگی روزمره میلیون‌ها نفر است. همه ما روزانه بارها از آسانسور استفاده می‌کنیم و امنیت و آسایش مان در گرو عملکرد صحیح و استاندارد آن است. با این وجود، متأسفانه در جامعه ما هنوز نگاه درستی نسبت به هزینه‌ها و تعهدات شرکت‌های آسانسوری شکل نگرفته است. بسیاری از افراد، هزینه‌های مربوط به نصب، سرویس و نگهداری آسانسور را صرفاً یک هزینه بیهوده می‌دانند و نه یک سرمایه‌گذاری برای امنیت جانی و رفاه خانوادگی.

آقای مهندس چنین نگاهی به موضوع مهمی چون آسانسور، که نقش حیاتی در حفظ ایمنی خانواده‌ها دارد چه تبعاتی را به دنبال دارد؟
این نگاه غلط، تبعات گسترده‌ای به دنبال داشته است. وقتی اولویت

مشتریان تنها "پایین بودن قیمت" باشد، طبیعی است که شرکت‌های فاقد صلاحیت و تخصص و بدون پروانه مونتاژ وارد بازار شوند و با ارائه قیمت‌های ظاهراً پایین، پروژه‌ها را در دست بگیرند. نتیجه چنین روندی چیزی جز کاهش کیفیت خدمات و ایجاد مشکلات ایمنی در ساختمان‌ها نیست. این مشکلات به ویژه در زمان‌هایی که قطعی برق رخ می‌دهد، بیشتر خود را نشان می‌دهند و خطراتی مانند گیر کردن مسافران، آسیب به تجهیزات یا حتی تهدید جان افراد را به همراه دارند. **این نوع فشار اقتصادی به بدنه صنعت آسانسور چه آسیب‌هایی به بار می‌آورد؟**

فشار مداوم بر تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برای کاهش قیمت‌ها باعث شده کیفیت بسیاری از قطعات آسانسور نیز به شدت افت کند. امروزه در بازار شاهد عرضه گسترده قطعاتی هستیم که از نظر ظاهری شبیه نمونه‌های استاندارد هستند، اما دوام و ایمنی لازم را ندارند. استفاده از این قطعات کم‌کیفیت نه تنها هزینه‌های تعمیر و نگهداری را در آینده افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند به بروز حوادث ناگوار نیز منجر شود.

بنابر این باید تأکید کرد که موضوع آسانسور، تنها یک بحث اقتصادی یا رفاهی نیست، بلکه مستقیماً به ایمنی عمومی مربوط می‌شود. همانطور که هیچ‌کس حاضر نیست برای صرفه جویی در هزینه‌ها، کیفیت دارو یا خدمات درمانی خود را فدا کند، نباید در مورد آسانسور هم چنین نگاهی داشته باشیم.

آقای مهندس پور رضای، چه راهکارهایی را در این موقعیت موثر می‌دانید؟

اولین و مهم‌ترین اقدام فرهنگ سازی و آموزش عمومی است. رسانه‌ها و نهادهای تخصصی باید آگاهی عمومی را افزایش دهند تا مردم بدانند انتخاب شرکت معتبر و قطعات استاندارد، یک انتخاب حیاتی است نه اختیاری.

توجه به پروانه‌های مونتاژ و مجوزهای قانونی دومین مساله مهمی است که باید مد نظر قرار بگیرد. خریداران و مدیران ساختمان‌ها باید از شرکت ارائه‌دهنده خدمات آسانسور، پروانه معتبر و مستندات قانونی بخواهند؛ این ساده‌ترین راه برای تشخیص شرکت‌های مجاز از غیرمجاز است.

از سوی دیگر شفافیت در خرید قطعات باید حاکم باشد. لازم است قطعات اصلی و استاندارد دارای برچسب مشخصات، گواهی کیفیت و ضمانت معتبر باشند؛ مردم می‌توانند از شرکت سرویس‌دهنده بخواهند مستندات اصالت قطعات را ارائه دهند.

نظارت و حمایت دولتی هم یکی از مهم‌ترین اقدامات ضروری در این مورد است. سازمان‌های مرتبط باید با نظارت مستمر بر بازار، مانع فعالیت افراد و شرکت‌های فاقد صلاحیت شوند و در عین حال از تولیدکنندگان و واردکنندگان قطعات با کیفیت حمایت کنند.

مساله دیگر هم در این مورد نگاه بلند مدت به هزینه‌ها است. مدیران ساختمان و مالکان باید درک کنند که پرداخت هزینه بیشتر در زمان نصب و سرویس، در واقع صرفه‌جویی بلند مدت است، چراکه احتمال خرابی و هزینه‌های بعدی را کاهش می‌دهد.

جناب مهندس اگر صحبتی در تکمیل مواردی که فرمودید دارید بفرمایید.

در نهایت، آسانسور یک بخش حیاتی از زندگی شهری است که امنیت، رفاه و اعتماد روزانه ما به آن وابسته است. اگر می‌خواهیم شهری ایمن‌تر داشته باشیم، باید از همین امروز نگاه خود را تغییر دهیم و آسانسور را نه به عنوان یک هزینه، بلکه به عنوان یک سرمایه‌گذاری برای افزایش کیفیت زندگی ببینیم.